

آئین و هنر در فرهنگ ایران

مقالاتی در باب ابعاد هنرهای آئینی در فرهنگ ایرانی

جبار رحمانی

سرشناسه	رحمانی، جبار، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	آئین و هنر در فرهنگ ایران: مقالاتی در باب ابعاد هنرهای آئینی در فرهنگ ایرانی / جبار رحمانی.
مشخصات نشر	تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۴۳ ص:؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۰۱-۷:
وضعیت فهرست نویسی: فیفا	
عنوان در	مقالاتی در باب ابعاد هنرهای آئینی در فرهنگ ایرانی.
موضوع	هنر ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	موضوع Art, Iranian -- Addresses, essays, lectures:
موضوع	موضوع سنویت در هنر -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	موضوع Spirituality in art -- Addresses, essays, lectures:
موضوع	موضوع آیین ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	موضوع Ritual -- Iran -- *Addresses, essays, lectures:
رده بندی کنگره	۳۱۹۰۱۳۹۷۷۲۸۰N:
رده بندی دیویی	۵۵/۷۰۹:
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۱۴۷۹۰:



آئین و هنر در فرهنگ ایران (مقالاتی در باب ابعاد هنرهای آئینی، فرهنگ ایرانی)

مؤلف: جبار رحمانی	
تولید فنی: زهرا قربانی	دبیر انتشارات: محمدرضا علی
نوبت: چاپ اول ۱۳۹۷ شمارگان: ۵۰۰ نسخه	قیمت: ۳۱۰۰ تومان
طراح و گرافیک: پرویز بیانی	چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپ نگین
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلا و جزئا (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	
دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۱، واحد ۴۲۴	
تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲	

فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷

تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۱ - کانال تلگرام: @sociologybookstore

فهرست

مقدمه.....	۷
«زمینه‌های افول نقالی در ایران امروز و لازمه‌های احیای آن» جبار رحمانی.....	۲۱
نمایشنامه‌های ترکمن: بحثی در باب نمادهای کلیدی و آئینی فرهنگ/ جبار رحمانی، شهریار کمالی.....	۴۷
نشانه‌شناسی فرهنگی: نقش سنگ قبور: با تأکید بر نقش شانه در تخت فولاد اصفهان/ جبار رحمانی، هاجر قریانی.....	۹۱
تحلیل فرهنگی نشانه عصا در نمایش عروس‌آچار/ جبار رحمانی، جیران سجادیان موسوی.....	۱۲۹
جنسیت و آئین در ایران آئین‌های وارونگی و آئین شاه‌ی در ایران/ جبار رحمانی، یاسمن فرحزاد.....	۱۷۱
نقدی بر فیلم شهر زنان: از فیلم مردمنگارانه تا شبه‌مستند/ جبار رحمانی، یاسمن فرحزاد.....	۲۰۷
هنر، فرهنگ و معیشت مطالعه انسان‌شناختی رقص قاسم‌آبادی/ جبار رحمانی، عالمه شریفی.....	۲۴۳
ریخت‌شناسی سرودواره‌های آئینی شمال خراسان/ جبار رحمانی، پرستو جوزانی و مریم قرم‌سو.....	۲۷۵
بررسی مردم‌شناختی پرده‌های دستدوز زنان در شهرستان بیرجند/ سیما بشارتی.....	۳۰۳

مقدمه

موضوع آئین‌ها در فرهنگ ایران، عموماً به آئین‌های مذهبی و به‌طور خاص به آئین‌های شیعی تقلیل یافته است و به‌همین دلیل بررسی این آئین‌ها بیش از آنکه در سنت دانشگاهی و ذیل مطالعات میان‌رشته‌ای آئین شکل بگیرد، عموماً در سنت مطالعات دینی و ذیل رویکردهای الهیاتی و کلامی انجام شده است. آئین به‌مثابه فرایندی برای بازآفرینی، بازتولید و برساخت امری جدی در یک فرهنگ، نه تنها قابل تقلیل به یک سرعده محدود نیست، بلکه نقش کلیدی‌ای در همه ابعاد و زمینه‌های فرهنگ و جامعه در خود دارد. در سنت‌های علوم اجتماعی نیز مطالعه آئین‌ها محدود شده است به رویکردهای از رد‌شناسی سنتی و مطالعات کلاسیک فولکلور؛ که در نهایت ترسیم رمانتیک از یک میراث فرهنگی است. از این لحاظ تحلیل‌های موجود از آئین‌ها یا در تقلیل‌گرایی، یا در تعریف محدود شده و هرکس از ظن خود آنها را بررسی کرده است و یا به عهد کلاسیک و مطالعات فولکلوریک تقلیل یافته‌اند. محدود بودن تجربه‌های میان‌رشته‌ای در انصاف دانشگاهی ایران، و سطره نوعی قبیله‌گرایی رشته‌ای سبب شده مطالعه زنان، فراموش واقعیت‌های اجتماعی، تکرار داستان نمادین فیل و تاریکی باشد. هرچند در نهایت هر نوع مطالعه‌ای، نوعی تقلیل منظر‌گرایانه را در خودش دارد، اما اتخاذ رویکردهای میان‌رشته‌ای و تلاش برای تلفیق رشته‌ها و رویکردها در یک مطالعه می‌تواند موجباتی برای بسط و توسعه رویکردهای علمی و فهم عمیق‌تر و چندبعدی از یک پدیده باشد.

تجربه آموزشی من عموماً محدود به یکی از گرایش‌های رشته علوم اجتماعی بود، هرچند این رشته مدعی نوعی جامعیت و چندبعدی بودن است، اما در واقعیت موجود از علوم اجتماعی در نظام دانشگاهی ایران، این علوم نیز از بیماری قبیله‌گرایی علمی به شدت رنج می‌برند. جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی را قبول ندارد و ارتباطات هر دوی اینها و در نهایت علم نوظهور شورشی یعنی مطالعات فرهنگی، همه اینها را ذیل خودش بازتعریف می‌کند. برای من به عنوان دانشجوی رشته مردم‌شناسی / انسان‌شناسی تلاش مضاعفی لازم بود تا از این قبیله‌گرایی علمی در فضای علوم اجتماعی فارغ شوم و بتوانم برای خود توضیح بدهم که رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در کنار هم و با هم شکل گرفته‌اند، توسعه یافته‌اند و تولید نظریه کرده‌اند. اما مجادله تخصص‌گرایی شبه‌ایدئولوژیک در تحصیل رشته‌ها، سبب شده به تدریج از یاد ببریم که این قبیله‌گرایی که در درون علوم اجتماعی بود، در میان رشته‌های علوم انسانی هم هست و هر علمی خود را مرکز جهان علم می‌پندارد و سایر رشته‌ها را قاصر از رسیدن به قله‌های فتح و کشف علمی بداند. در اینجا به تخصص علمی به مثابه یک ایدئولوژی عمل می‌کند که مبتنی بر باور به مرکزیت خودش در جهان علم است. در نتیجه این وضعیت، رابطه میان علوم مختلف، رابطه‌ای من‌والوگی بوده که فاصله زیادی با تفاهم متقابل میان رشته‌ها و علوم مختلف دارد.

در سال ۱۳۹۰ که تازه وارد نظام دانشگاهی ایران شدم، به شک و لطف یکی از استادان خوب علوم انسانی ایران در حوزه زبان‌شناسی تاریخی و اسطوره‌شناسی، خانم دکتر بهار مختاریان، فرصتی برای تدریس و حضور در دانشگاه هنر اصفهان، در رشته‌های هنر اسلامی و پژوهش هنر، پیدا کردم. بیشتر در فضای علوم اجتماعی، کتاب‌هایی در باب هنر ذیل ایده جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی هنر خوانده بودم؛ اما این مطالعات هم از منظر علوم اجتماعی

بود و روایت هنر از زبان این علوم. طبق روال رایج در گفتمان علوم اجتماعی، همه چیز اجتماعی بود و اصحاب علوم اجتماعی هم ایمانی شگرف به این مسئله دارند. یک باور ضمنی در اصحاب علوم اجتماعی هست که این حوزه علمی را اشرف علوم می‌دانند. در نتیجه این باور ضمنی اصحاب علوم اجتماعی، همه چیز روایتی اجتماعی پیدا می‌کند. این فرصت تدریس و حضور در میان دانشجویان هنر و دانشکده‌ها هنر، برای من که تحصیلکرده انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بودم، همانند تجربه کار میدانی در میان یک فرهنگ کاملاً عجیب بود. در پی این حضور بود که نوعی تجربه شوک فرهنگی در مواجهه با یک فرهنگ بیگانه و متفاوت برای من شکل گرفت و با این مواجهه شدم که علوم اجتماعی مرکز جهان علم نیست. برای من این حضور آموخته‌های بسیاری داشت؛ مفروضات کلیدی‌ای در علوم اجتماعی هست که به‌طور ضمنی در ما عمل می‌کنند بی‌آنکه بدان‌ها خودآگاهی داشته باشیم، از جمله اینکه علوم اجتماعی نوعی باور به تقدس متن نوشتار هست و ایده‌های جدید را از خلال تاملات نظری می‌توان به‌دست آورد و باید از طریق نوشتار و کلام بیان کرد. در حالی که هنر گونه دیگری مواجهه با جهان، کسب ایده‌های جدید و بیان آن‌ها را دربرداشت. تفاوت معناداری میان شیوه‌های بیان ایده‌های جدید در این رشته‌ها وجود داشت، شیوه متن‌زده علوم اجتماعی که شیوه‌ای تک‌حسی محسوب می‌شود (فقط از طریق مهارت خواندن، قابل خوانش و درک کردن است) و شیوه تک‌حسی در هنرها که نه تنها از حس بصری، که از حس لامسه، بویایی و شنوایی و حتی چشایی قابل بیان است. شاید این گزاره‌ها را هم بتوان باز در زبان علوم اجتماعی دید، اما شوک فرهنگی حاصل از حضور در فضای دانشگاهی هنر، به من آموخت که قبیله علوم اجتماعی، قبیله برگزیده در پیشگاه خدایان علم

نیستند، این باور به برگزیده بودن فقط در میان اعضای این قبیله رواج دارد و بس. حاصل دو سال تدریس برای من، خلق اثر هنری نبود، که نه من هنرمند بودم و نه استعداد هنری خاصی داشتم. در نهایت هم حاصل این کار مجموعه نوشتارهایی بود که به عنوان مقاله های مستخرج از پایان نامه ها و کارهای میدانی در معلق علوم اجتماعی نوشته شدند و تلاش شد که در حد امکان رویکردی میان رشته ای در این کارها لحاظ شود. با این تفاوت من می دانم و می پذیرم که خلق و بیان ادباها در منطق رشته علوم اجتماعی ارجحیت خاصی نسبت به منطق هنر دارد. چه بسا که هنر برتر است و مواجهه ای خاص تر با زندگی و تجربه آن دارد.

در مقالاتی که در اینجا جمع آوری شده اند، تلاش شده یکی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی و مطالعات انسان ها، یعنی مفهوم آیین و منسک، با عرصه هنر در کنار هم دیده شود و نشان داده شود که تجربه های آئینی چگونه و تا چه حدی با مولفه های هنری و زیباشناختی آمیخته اند و در زندگی واقعی، امر جدی و مهم و کلیدی که بیش از همه در آئین ها تجلی پیدا می کند، بعد و وجوه متعددی دارد و هم زمان امری اجتماعی و هنری و ... است. مهم ترین امر در هر فرهنگی، عمیقاً با مفاهیم و مصادیق زیبایی شناختی آمیخته اند، و فرهنگ بشری در طی تاریخ، مفاهیم و معانی کلیدی را از خلال تجربه های زیباشناختی در بسترهای اجتماعی و فرهنگی تولید و بر ساخت کرده اند و انسان ها آنها را تجربه می کنند. به نظر می رسد علوم اجتماعی برای توسعه درک و فهم خودش بهتر است هرچه بیشتر در میدان های دیگر حضور داشته باشد، و تجربه میدانی نه تنها به معنای حضور یک محقق در میدان اجتماعی، بلکه حضور آن در میدان های علمی دیگر هم باشد. این تجربه میدانی دو لایه (میدان به معنای بستر واقعی فرهنگ و میدان به معنای گفتمان علمی متفاوت) می تواند درکی عمیق تر از ملاحظات روش شناختی علوم اجتماعی

(امکان‌ها و محدودیت‌های آن) در فهم زندگی در پی داشته باشد. به عبارت دیگر نظریه‌پردازی و تبیین در علوم اجتماعی هرچه بیشتر باید مبتنی بر تجربه میدانی در دو معنای فوق باشد. مدعی نیستم در این مقالات چنین تجربه‌ای شکل گرفته است، ولی حداقل گام‌های آغازین آن شکل گرفته‌اند، هم برای من که تحصیلکرده علوم اجتماعی بودم و وارد عرصه مطالعات هنری شدم و هم برای دانشجویانی که به عنوان هالی هنر قرار بود در کنار یک نفر متخصص علوم اجتماعی مقاله‌ای را بنویسند. این تجربه سبب شد که بینم برای یک دانشجوی هنر که آموخته است هنر را باید زنانی را در خلق ایده مستلزم تولید اثر هنری است، نوشتن و پژوهش علمی سخت است و باید دانش آموخته علوم اجتماعی هم فهمیدن تجربه هنری از زندگی و فهم همدلانه و آینه‌ای تولید اثر هنری بدون تقلیل جامعه‌شناختی آن، چقدر سخت و دشوار است. این مجموعه مقالات به تعبیری حاصل تلاشی متقابل بود برای رسیدن به نقطه‌ای از هم‌لی و هماهنگی متقابل میان علوم اجتماعی و هنر. برای ما این مجموعه یک تجربه آغازین از این امر است با همه کاستی‌های خودش. لذا مدعی نبودن و بدیع بودن این کار نیستم، زیرا ده‌ها سال است در جهان علم، رویکردهای میان‌رشته‌ای برای خروج از محدودیت‌های قبیله‌گرایی علمی شکل گرفته‌اند و در حال کار هستند. لذا این کار برای خرد من جدا محسوب می‌شود و گامی است برای تجربه میان‌رشته‌ای از علم و پژوهش. مقالات این مجموعه، به غیر از مقالات نقالی و نمازلیق) حاصل کارهایی است که به صورت پراکنده توسط دانشجویان انجام شده و از دل نتایج آن پایان‌نامه این مقالات استخراج شده است. بخشی از این مقالات پیشتر در مجلات مختلف منتشر شده‌اند و برخی نیز برای بار اول انتشار یافته‌اند.

مفهوم مرکزی این مجموعه مقالات، مفهوم آئین یا منسک است که همه مقالات عملاً امر اجتماعی و امر هنری را در بستر آئینی بررسی کرده‌اند. در

جهان اجتماعی، در بستر آیین است که امر اجتماعی و امر زیباشناختی با هم تلفیق می‌شوند و معانی کلیدی آن فرهنگ بر ساخته می‌شوند. تولید معنا در انسان، امری چندحسی است، آیین به‌ویژه آیین‌های کلیدی، نیز امری چندحسی و چندصدایی هستند که لازم است از رویکردهای میان‌رشته‌ای برای فهم صداهای مختلف مضمَر در آیین استفاده شود. با توجه به محدود بودن ادبیات نظری در باب مفهوم آیین، در ادامه اشاره‌ای به این مفهوم خواهم داشت.

نگاهی به مفهوم آیین و هنرهای آئینی^۱

وجه هنری آیین‌ها، بی‌گردد بوند هنر و دین در جهان سنت است. هنر دین نیست، ولی با دین رشد می‌کند، به سنت آن درمی‌آید و به مقدار زیاد تعیین‌کننده آن است (لنگر، ۱۳۸۲: ۶۵). مهم‌ترین عرصه هنر، کاربرد آن در زمینه‌های آئینی است. مفهوم آیین بیش از همه در زمینه مذهب معنا دارد. به همین سبب بیشتر تعاریف آن ریشه در پژوهش‌های دین دارد. در ساهی کلمه و جمع‌گرایانه آیین، برگزاری دقیق و اجرای مراسم و تشریفات خاص است که مولاً صورتی نمایشی دارد (ستاری، ۱۳۸۶: ۳۶). اهمیت آیین بیش از حد ریشه در بحث آن در شکل دادن به زندگی انسان‌ها و تجربه آنها از جامعه و فرهنگ دارد (Alexander, ۱۹۹۴: ۴۹). آیین‌ها زمینه‌ای هستند که ادیان به‌واسطه آنها نه تنها نظام اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کنند، بلکه آن را ایجاد می‌کنند و به آن شکل و معنای مبخشدند (Geertz, ۱۹۷۳: ۱۱۸). نمی‌توان آیین را صرفاً یک رفتار یا الگوی رفتاری دانست، تحقیقات جدید در انسان‌شناسی و مطالعات آیین بیانگر آن است که آیین نه تنها یک اندیشه، بلکه یک کنش است. به عبارت دیگر آیین‌ها صرفاً بازنمایی

۱. برای مشخصات کامل منابع این بخش به فهرست منابع مقاله زمینه‌های افول نقالی در ایران امروز و لازمه‌های احیای آن رجوع شود.

واقعیت‌های دیگر نیستند، بلکه آئین، شیوه و زمینه خاصی برای ساخت واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی مردم محسوب می‌شود (Bell, ۲۰۰۹). آئین به شیوه فعالیت‌های خاص، تکراری، محدود به زمان و مکان خصاص اشاره می‌کند که در نهایت به امر متعالی‌ای در فرهنگ معطوف است. آئین‌ها در زمینه فرهنگ سنتی نقش بسیار مهمی دارند. در هر آئینی، بخشی از نظام معنایی محوری آن فرهنگ، مورد تأکید قرار می‌گیرد و پیوندی میان کنشگران آن فرهنگ و نظام معنایی آن برقرار می‌شود. آئین تنها مجموعه اعمال منظم تکراری‌شده‌ای نیست که ایمان و تعلق فرسنگ از طریق آنها ترجمان بیرونی پیدا کند، بلکه مجموعه وسایلی است که ادراک و احساس فرهنگی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دوک، م، ۱۳۸۳: ۵۷۸). آئین‌ها دو وجه شناختی و عاطفی دارند. وجه شناختی آنها بیانگر گاه‌ها و شناخت فرهنگی است و وجه عاطفی آن نیز بیانگر تأثیرگذاری و پیامدهای مشترک، در آن آئین برای کنشگر است (همان: ۱۱۳). به همین دلیل همیشه در آئین‌ها، واسطه بین نمادهای آئینی، میان سبک معینی از زندگی و یک نوع مابعدالطبیعه خاص همخوانی اساسی برقرار می‌شود و بدین‌سان هریک از مرجعیت دیگری سود می‌برند (Geertz, ۱۹۷۳: ۹۰). به عبارت دیگر در مراسم و آیین‌های دینی، یعنی جشن‌ها، بزرگ و نمایش‌های فرهنگی - دینی است که آمیختگی نمادین روحيات معنوی، جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم شکل می‌گیرد. آیین‌ها نظم و ترتیب خاصی را در اعمال و عقاید کنشگران فرهنگ ایجاد می‌کنند و این نظم و ترتیب‌ها تأثیر بسزایی در موضوعات گوناگون زندگی روزمره و فهم عمومی واکنش‌های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس یعنی هم در یک حالت روحی و معنوی مسلط و هم در یک تمایل و انگیزه ویژه ایجاد می‌کند (Geertz, ۱۹۷۳: ۱۱۱ - ۸). در انسان‌شناسی یکی از مباحث مهم تقدم و تاخر یا نسبت میان اساطیر و آئین‌هاست (Klunchhohn, ۱۹۹۸). نظریات جدید بر آنند که آئین هم کنش است و

هم اندیشه. این رویکرد جدید بیانگر تداخل اندیشه و عمل در آیین بوده و اینکه آیین اندیشه‌ای است که عمل می‌شود و یا نوعی اندیشیدن عملی است (Bell, ۲۰۰۹) به همین سبب آیین همیشه امری اجرایی است. اجرا عبارت است از «امری که به گونه‌ای زیبایی‌شناسانه مشخص شده و صورتی رفیع از ارتباطات است، در طریق ویژه، مفید و برای مخاطب خود، حالتی نمایش یافته است» (ر. ک: وود فلو، ۱۳۸۷: ۴۰). همانطور که گفته شد در جهان سنت آیین‌ها در اصل بیانگر رابطه انسان با امر قدسی بوده‌اند. آیین زمینه‌ای برای ساختن درک انسان‌ها از امر قدسی و ایمان مذهبی در مومنان و با تولید باور و ایمان آنها بوده‌اند (ر. ک: Peeters, ۱۹۷۳: ۱۳۸۳).

بسیاری از مراسم و سنت‌های مذهبی نمایشی که وجه زیبایی‌شناختی آنها به اندازه وجه مذهبی آنها برجسته مهم است ذیل هنرهای آئینی قرار می‌گیرند. اینکه آنها را صرفاً هنر بدانیم سبب سردرگمی و وجه مذهبی و قدسی آنها مورد بی‌توجهی قرار گیرد، درحالی‌که در آیین‌ها به‌طور عام و هنرهای آئینی به‌طور خاص قبل از هر چیزی دلالت دینی آنها مهم و وجه زیبایی‌شناختی آنها نسبت به وجه قدسی‌شان، امری ثانویه است. این مسئله در فهم ما از این هنرها تأثیر و نحوه مواجهه با آنها بسیار مهم است.

البته آیین به‌عنوان یک فعالیت الهیاتی، ربط معناداری با بحث زیباشناسی دارد. امر الهیاتی از گذشته وجوه زیباشناختی را در بطن خود داشته است. آیین‌های دینی که همیشه در زمان و مکان خاصی اجرا می‌شوند، اسطوره‌ها و نیایش‌ها و باورهایی در باب انسان‌های متعالی و طبیعت مقدس و نیز معابد و مساجد، جملگی احساس یا ادراکی ملموس را برمی‌انگیزند که شکل، آهنگ، ساخت یا رایحه‌ای خاص دارند. احساس یا ضرباهنگ پدیده‌های دینی به شیوه‌ای کاملاً خاص بر عواطف تأثیر می‌گذارد، و شکل زیباشناختی افعال و

اشیای دینی همیشه احساس و عواطف مومنان را آبیاری می‌کرده است (براون، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۹).

همانطور که گفته شد، آئین‌های سستی وجوه هنری و زیباشناختی خاص خود را دارند. به همین سبب از اصطلاح «هنرهای آئینی» استفاده می‌شود. این اصطلاح بیشتر ناشی از آنست که در فضاهاى علمى و آکادمیک پرداختن به این نوع فعالیت از منظر مطالعات هنری بیشتر مدنظر بوده و لذا وجه هنری آن‌ها کمتر پیدا کرده است؛ در نتیجه گفته می‌شود هنرهای آئینی، یعنی امور هنری‌ای که مورد توجه هنرمندان و کارکردی آئینی دارند. اما با توجه به اینکه وجه آئینی و قدسی در این فعالیت‌ها، اولویت و تقدّم معنایی و کارکردی دارد، بهتر است که آنها را «هنرهای آئینی» بنامیم. منظورم از آئین‌های هنری، فعالیت‌های آئینی است که قبل از درپیش‌بینی و کارکرد آنها، یک غایت مذهبی و قدسی است، اما برای رسیدن به این غایت، وجوه هنری و زیباشناختی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. این وجوه زیباشناختی در انتقال معنا و اثرگذاری آن اهمیت کلیدی دارند، به همین سبب هم از گذشته تا به امروز همه فعالیت‌های آئینی تمایل فزاینده‌ای به هرچه بیشتر زیباشدن دارند. براین اساس، اصطلاح هنرهای آئینی، یک اصطلاح مدرن و مبتنی بر پارادایم‌های دانشگاهی مدرن است، ولی به نظر می‌رسد که درست‌تر آنست که آنها را آئین‌های هنری بنامیم، اما در این نوشتار برای هم‌نوایی با ادبیات پژوهشی موجود، از همان اصطلاح رایج، یعنی هنرهای آئینی استفاده خواهد شد.

برخی ویژگی‌های هنرهای آئینی سستی که نقش مهم در ایفای کارکردهای آنها دارد، عبارتند از:

۱- زمان ویژه: آئین‌ها همیشه در زمان ویژه‌ای برگزار می‌شوند. آئین امری روزمره و تفریحی صرف نیست، آئین‌ها همانقدر که اجرا می‌شوند، اندیشیده نیز

جهان اجتماعی، در بستر آیین است که امر اجتماعی و امر زیباشناختی با هم تلفیق می‌شوند و معانی کلیدی آن فرهنگ برساخته می‌شوند. تولید معنا در انسان، امری چندحسی است، آیین به‌ویژه آیین‌های کلیدی، نیز امری چندحسی و چندصدایی هستند که لازم است از رویکردهای میان‌رشته‌ای برای فهم صداهای مختلف مضمّن در آیین استفاده شود. با توجه به محدودبودن ادبیات نظری در باب مفهوم آیین، در ادامه اشاره‌ای به این مفهوم خواهم داشت.

نگاهی به مفهوم آیین و هنرهای آیینی^۱

وجه هنری آیین‌ها، بیانگر بوند هنر و دین در جهان سنت است. هنر دین نیست، ولی با دین رشد می‌کند، به خدمت آن درمی‌آید و به مقدار زیاد تعیین‌کننده آن است (لنگر، ۱۳۸۲: ۶۵). مهم‌ترین عرصه هنر، کاربرد آن در زمینه‌های آیینی است. مفهوم آیین بیش از همه در زمینه مذهب معنا دارد. به همین سبب بیشتر تعاریف آن ریشه در پژوهش‌های دین دارد. در ناهمی کلی و جمع‌گرایانه آیین، برگزاری دقیق و اجرای مراسم و تشریفات خاص است که معمولاً صورتی نمایشی دارد (ستاری، ۱۳۸۶: ۳۶). اهمیت آیین بیش از حد ریشه در بخش آن در شکل دادن به زندگی انسان‌ها و تجربه آنها از جامعه و فرهنگ دارد (Alexander, 1994: ۱۴۹). آیین‌ها زمینه‌ای هستند که ادیان به‌واسطه آنها نه تنها نظام اجتماعی را تفسیر و تحلیل می‌کنند، بلکه آن را ایجاد می‌کنند و به آن شکل و اهمیت می‌بخشند (Geertz, 1973: ۱۱۸). نمی‌توان آیین را صرفاً یک رفتار یا الگوی رفتاری دانست، تحقیقات جدید در انسان‌شناسی و مطالعات آیین بیانگر آن است که آیین نه تنها یک اندیشه، بلکه یک کنش است. به عبارت دیگر آیین‌ها صرفاً بازنمایی

۱. برای مشخصات کامل منابع این بخش به فهرست منابع مقاله زمینه‌های افول نقالی در ایران امروز و لازمه‌های احیای آن رجوع شود.

واقعیت‌های دیگر نیستند، بلکه آئین، شیوه و زمینه خاصی برای ساخت واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی مردم محسوب می‌شود (Bell, ۲۰۰۹). آئین به شیوه فعالیت‌های خاص، تکراری، محدود به زمان و مکان خاص اشاره می‌کند که در نهایت به امر متعالی‌ای در فرهنگ معطوف است. آئین‌ها در زمینه فرهنگ سنتی نقش بسیار مهمی دارند. در هر آئینی، بخشی از نظام معنایی محوری آن فرهنگ مورد تأکید قرار می‌گیرد و پیوندی میان کُنشگران آن فرهنگ و نظام معنایی آن برقرار می‌شود. آئین تنها مجموعه اعمال منظم تکراری شده‌ای نیست که ایمان و تعلق فرهنگی از طریق آنها ترجمان بیرونی پیدا کند، بلکه مجموعه وسایلی است که انسان و احساس فرهنگی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (در سیم، ۱۳۸۳: ۵۷۸). آئین‌ها دو وجه شناختی و عاطفی دارند. وجه شناختی آنها بیانگر آگاهی‌ها و شناخت فرهنگی است و وجه عاطفی آن نیز بیانگر تأثیرگذاری و پیامدهای مساکین در آن آئین برای کُنشگر است (همان: ۱۱۳). به همین دلیل همیشه در آئین‌ها، و از طریق نمادهای آئینی، میان سبک معینی از زندگی و یک نوع مابعدالطبیعه خاص همخوانی اساسی برقرار می‌شود و بدین‌سان هریک از مرجعیت دیگری سود می‌بیند (Geertz, ۱۹۷۳: ۹۰). به عبارت دیگر در مراسم و آیین‌های دینی، یعنی جشن‌های بزرگ و نمایش‌های فرهنگی—دینی است که آمیختگی نمادین روحیات معنوی در جهان‌بینی به وجود می‌آید و آگاهی‌های معنوی مردم شکل می‌گیرد. آیین‌ها نظامی را برای تزیین و تزیینات در اعمال و عقاید کُنشگران فرهنگ ایجاد می‌کنند و این نظامی را تزیینات تأثیر بسزایی در موضوعات گوناگون زندگی روزمره و فهم عمومی و واکنش‌های عملی گذاشته و جلوه خاصی در احساس یعنی هم در یک حالت روحی و معنوی مسلط و هم در یک تمایل و انگیزه ویژه ایجاد می‌کند (Geertz, ۱۹۷۳: ۸-۱۱۱). در انسان‌شناسی یکی از مباحث مهم تقدم و تاخر یا نسبت میان اساطیر و آئین‌هاست (Klunchhohn, ۱۹۹۸). نظریات جدید بر آنند که آئین هم کُنش است و

هم اندیشه. این رویکرد جدید بیانگر تداخل اندیشه و عمل در آئین بوده و اینکه آئین اندیشه‌ای است که عمل می‌شود و یا نوعی اندیشیدن عملی است (Bell, ۲۰۰۹) به همین سبب آئین همیشه امری اجرایی است. اجرا عبارت است از «امری که به گونه‌ای زیبایی‌شناسانه مشخص شده و صورتی رفیع از ارتباطات است، در طریقی ویژه، مقید و برای مخاطب خود، حالتی نمایش یافته است» (ر. ک: وود فلو ۱۳۸۷: ۴۰). همانطور که گفته شد در جهان سنت آئین‌ها در اصل بیانگر رابط انسان با امر قدسی بوده‌اند. آئین زمینه‌ای برای ساختن درک انسان‌ها از امر قدسی و ایمان مذهبی در مومنان و با تولید باور و ایمان آنها بوده‌اند (ر. ک: Peer, ۱۹۷۳: دو کیم، ۱۳۸۳).

بسیاری از مراسم و سنت‌های مذهبی نمایشی که وجه زیبایی‌شناختی آنها به اندازه وجه مذهبی آنها برجسته مهم است ذیل هنرهای آئینی قرار می‌گیرند. اینکه آنها را صرفاً هنر بدانیم سبب می‌شود وجه مذهبی و قدسی آنها مورد بی‌توجهی قرار گیرد، درحالی‌که در آئین‌ها به‌طور عام و رهای آئینی به‌طور خاص قبل از هر چیزی دلالت دینی آنها مهم و وجه زیبایی‌شناختی آنها نسبت به وجه قدسی‌شان، امری ثانویه است. این مسئله در فهم ما از این مراسم آئین و نحوه مواجهه با آنها بسیار مهم است.

البته آئین به‌عنوان یک فعالیت الهیاتی، ربط معناداری را با باطن‌شناسی دارد. امر الهیاتی از گذشته وجوه زیباشناختی را در بطن خود داشته است. آئین‌های دینی که همیشه در زمان و مکان خاصی اجرا می‌شوند، اسطوره‌ها و نیایش‌ها و باورهای در باب انسان‌های متعالی و طبیعت مقدس و نیز معابد و مساجد، جملگی احساس یا ادراکی ملموس را برمی‌انگیزند که شکل، آهنگ، ساخت یا رایحه‌ای خاص دارند. احساس یا ضرباهنگ پدیده‌های دینی به شیوه‌ای کاملاً خاص بر عواطف تأثیر می‌گذارد، و شکل زیباشناختی افعال و

اشیای دینی همیشه احساس و عواطف مومنان را آبیاری می‌کرده است (براون، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۹).

همانطور که گفته شد، آئین‌های سنتی وجوه هنری و زیباشناختی خاص خود را دارند. به همین سبب از اصطلاح «هنرهای آئینی» استفاده می‌شود. این اصطلاح بیشتر ناشی از آنست که در فضاهاى علمى و آکادمیک پرداختن به این نوع فعالیت از منظر مطالعات هنری بیشتر مدنظر بوده و لذا وجه هنری آن‌ها کمتر پدید آمده است؛ در نتیجه گفته می‌شود هنرهای آئینی، یعنی امور هنری‌ای که مورد ستایش و کارکردی آئینی دارند. اما با توجه به اینکه وجه آئینی و قدسی در این فعالیت‌ها، اولویت و تقدّم معنایی و کارکردی دارد، بهتر است که آنها را «هنرهای آئینی» بنامیم. منظورم از آئین‌های هنری، فعالیت‌های آئینی است که قبل از همه چیز، هدف و کارکرد آنها، یک غایت مذهبی و قدسی است، اما برای رسیدن به این غایت، وجوه هنری و زیباشناختی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. این وجوه زیباشناختی، انتقال معنا و اثرگذاری آن اهمیت کلیدی دارند، به همین سبب هم از گذشته تا به امروز همه فعالیت‌های آئینی تمایل فزاینده‌ای به هرچه بیشتر زیباشدن دارند. در این اساس، اصطلاح هنرهای آئینی، یک اصطلاح مدرن و مبتنی بر پارادایم‌های دانشگاه مدرن است، ولی به نظر می‌رسد که درست‌تر آنست که آنها را آئین‌های هنری بنامیم، اما در این نوشتار برای هم‌نوایی با ادبیات پژوهشی موجود، از همان اصطلاح رایج، یعنی هنرهای آئینی استفاده خواهد شد.

برخی ویژگی‌های هنرهای آئینی سنتی که نقش مهم در ایفای کارکردهای آنها دارد، عبارتند از:

۱- زمان ویژه؛ آئین‌ها همیشه در زمان ویژه‌ای برگزار می‌شوند. آئین امری روزمره و تفریحی صرف نیست، آئین‌ها همانقدر که اجرا می‌شوند، اندیشیده نیز

می‌شوند و به سبب اهمیت‌شان در ساماندهی زندگی و مهم‌تر از همه برجسته‌کردن مسائل اصلی زندگی مردم یک جامعه و ارائه منشوری برای زندگی، به زمان‌ها و مکان‌های خاصی محدود می‌شوند (Bell, ۲۰۰۹).

۱- مکان خاص؛ آئین‌ها، بالاخص آئین‌های جمعی و عمومی در مکان‌های مهمی در جامعه برگزار می‌شوند، فضای عمومی (میدان‌ها و گونه‌های اصلی) و یا بناهای آئینی مانند تکیه، مسجد و حسینیه و گاه فضاهاى خصوصی بزرگان که در ایام آئینی به فضاى عمومی و اجتماعى تبدیل می‌شود، مکان‌های سستی و زمینه‌های مکان‌های اجتماع آئین سستی هستند.

۲- آئین‌ها و سایر «منشورهای اجتماعی» هستند. باورها و ارزش‌هایی که برای یک جامعه کلیدی هستند، در آئین‌ها تبلور شده و در جامعه و اعضایش درونی می‌شوند. آئین‌ها همیشه این باورها و ارزش‌های کلیدی را در فرم‌های زیبایی‌شناسانه‌ای صورت‌بندی کرده و اجرا می‌کنند (Malinsowski, ۲۰۰۲)

۳- آئین‌ها مهم‌ترین رسانه‌های فرهنگی هستند. آئین‌های سستی و اساطیر آنها که باز نمونه‌های کلیدی محتوای یک فرهنگ هستند، همیشه از خلال آئین‌ها به نسل بعد منتقل می‌شوند.

۴- هنرهای آئینی به واسطه اجرایی بودن‌شان، همیشه امری جمعی هستند. آنها همیشه در یک تعامل جمعی اجرا می‌شوند، گاه در سطح یک خانواده، گاه محله و گاه یک شهر و در مقاطعی در سطح ملی.

۵- آئین‌ها فولکلوریک هستند، یعنی ریشه آنها بیش از همه به وجدان جمعی و ذهن و فرهنگ عامه بر می‌گردد. تا دوره مدرن، فرهنگ همیشه امری شفاهی بوده و فولکلور مهم‌ترین محمل فرهنگ محسوب می‌شده است، به همین سبب مهم‌ترین عناصر

دانش فولکلوریک که اهمیت کلیدی در یک فرهنگ دارند، در آئین‌ها و نمادهای کلیدی آئینی متبلور می‌شوند (Ortner, ۱۹۷۳)

۶- آئین‌ها از منظر هم‌زمانی، نوعی ایستایی و ثبات را نشان می‌دهند، اما در بستر زمان بیانگر نوعی پویایی و سیالیت برای انطباق با شرایط جاری هستند. آئین‌ها در خلال زمان، بسط پیدا کرده و تغییر می‌کنند، زیرا از یک سو تغییر جامعه در آنها انعکاس می‌یابد و از سوی دیگر تغییرات در آئین‌ها مشروعیت پیدا می‌کنند (رک: دورکیم، ۱۳۸۳). روند تغییرات در آئین‌ها بسیار کند و بطئی است، اما فرایند بسط آئین پیشه در جریان است.

۷- سیستماتیک بودن آئین‌ها؛ آئین‌ها و هنرهای آئینی در هر فرهنگی، امری منفرد نیستند، بلکه آنها به صورت سیستماتیک با نظام اساطیری و نظام مناسکی و همچنین نظام اجتماعی مرتبط بوده و رابطه‌ای متقابل دارند. نمی‌توان یک آئین/ هنر آئینی را صرفاً به ارجاع به خودش فهمید، بلکه ویژگی‌ها، شرایط و حتی تحولات هر هنر آئینی هم متأثراند. شرایط خود آن نیز متأثر از شرایط سایر عناصر وابسته بدان است.

۸- نظام‌های آئینی و اساطیری بیش از آنکه در زمان گذشته و رخداد‌های تاریخی باشند، بیانگر وضعیت زندگی جاری و امر روز هستند. به عبارت دیگر نقش آئین‌ها قبل از هر چیز نگهداری زندگی امروزی است. (در مورد رابطه آئین‌ها و اساطیر با واقعیت جاری زندگی (رک: Bell, ۲۰۰۹, ۱۹۹۸).

۹- آنچه که مطالعات موجود نشان داده است، بیانگر اهمیت و نقش کلیدی آئین‌ها در زندگی واقعی مردم است. آئین‌ها جایی هستند که فرهنگ به معنای دقیق خودش از خلال آنها بر ساخته می‌شود و در اعضای جامعه درونی می‌شود. این کتاب نیز بیانگر تلاشی مختصر است برای بررسی وجوه هنری و اجتماعی

برخی آئین‌ها که در جامعه و فرهنگ ایران رواج دارند. ایده اصلی آنست که بتوان فهمید که چگونه در بستر آئینی، وجوه زیباشناختی و اجتماعی و فرهنگی زندگی در هم ادغام می‌شوند تا تجربه‌ای از لحظات ناب فرهنگی شکل بگیرند. به‌همین دلیل تنوع خاصی در موضوعات این مجموعه مقالات دیده می‌شود، و محدود به آئین‌ها یا پدیده‌های آئین صرفاً دینی نیست، بلکه از نقالی، سجاده و سنت قر گرفته تا عصا و رقص قاسم‌آبادی و آئین زن شاهی و بخشی‌های شمال خراسان و ... در بر گرفته شده‌اند. همه اینها بیانگر آنست که آئین‌ها نقشی کلیدی در تنظیم زندگی دارند، آنها نقشی کلیدی در نصب و راه‌اندازی نرم‌افزارهای تولید و مبادله معنای زندگی افراد و گروه‌ها دارند. آئین‌ها و نمادهای آئینی نقش و کارکردی چندگانه دارند. آنها مابین رابطه ما با امر قدسی هستند (مانند سجاده و نقالی و نمادهای آئینی روی رنگ سر)، نظام اجتماعی را در ترسیمی مستقیم یا واژگونه بازتولید می‌کنند و انسجام اجتماعی را ایجاد می‌کنند (مانند آئین زن شاهی)، سنت فرهنگی را تداوم بخشیده و تغییرات فرهنگی را معنادار می‌کنند (مانند نقش آئینی و نمادین عصا و سرودواره‌های شمال خراسان) و مابین رابطه انسان‌ها با محیط طبیعت و نظم معیشت را نیز بازنمایی کرده و الگوهای رابطه پایدار میان انسان و طبیعت را آموزش می‌دهند (مانند رقص قاسم‌آبادی).

در پایان لازم است که از همه کسانی که طی زمان حضور من در دانشگاه هنر اصفهان به من کمک کرده‌اند، به‌ویژه دکتر بهار مختاریان تشکر کنم. همچنین از همه دانشجویانی که به‌واسطه گفتگوهایشان در کلاس‌ها، به من کمک می‌کردند که در حد امکان زیست جهان هنری را از زبان خود اهالی هنر تجربه کنم و مهم‌تر از همه دانشجویانی که در این مجموعه، مقالات آنها منتشر شده است، سپاسگزارم. به‌ویژه از خانم هاجر قربانی که نه‌تنها در تالیف یکی از

مقالات بلکه در ویرایش و آماده‌سازی این کتاب همکاری بسیاری داشت
تشکر کنم.

جبار رحمانی
استادیار انسان‌شناسی^۱
پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
پاییز ۱۳۹۵

www.ketab.ir